

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۷۷-۱۰۰

## مقایسه وضع درآمدی عشایر اسکان یافته و شناسایی عوامل ایجادکننده تفاوت‌های درآمدی در دو وضعیت کوچندگی و اسکان در استان ایلام

حیدر صیدزاده و جعفر رضایی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۸

### چکیده

روش تحقیق حاضر پیمایشی و جامعه آماری آن شامل خانوارهای اسکان یافته استان لرستان بود. قلمرو زمانی تحقیق سال ۱۳۸۹ و روش نمونه‌گیری نیز طبقه‌ای متناسب بود. نتایج با استفاده از رگرسیون چندمتغیره نشان داد که متغیرهای مستقل «تعداد واحد دامی»، «سطح زیر کشت دیم» و «سطح زیر کشت آبی» در هر دو وضعیت کوچندگی و اسکان در سطح اطمینان ۹۹ درصد و اما متغیرهای مستقل «مقدار فرآورده‌های دامی» و «صنایع دستی» فقط در حالت کوچندگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر متغیر وابسته «متوسط درآمد سالانه خانوارها» مؤثرند. همچنین، نتایج آزمون t نمونه‌های زوجی نشان داد که متوسط درآمد حقیقی سالانه خانوارها در وضعیت اسکان نسبت به حالت کوچندگی کمتر شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وضع اقتصادی عشایر اسکان یافته استان ایلام در حالت کوچندگی نسبت به وضعیت اسکان بهتر بوده و از این رو، الگوی زیست کوچندگی عشایر در مقایسه با اسکان، از نظر اقتصادی، برای آنها مناسب‌تر است.

\* به ترتیب، نویسنده مسئول و کارشناس ارشد مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایلام (hseidzadeh@yahoo.com)؛ و مربی پژوهشی و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایلام.

## کلیدواژه‌ها: درآمد، اسکان، کوچندگی، ایلام (استان).

\*\*\*

## مقدمه

آمایش سرزمین و توسعه کشور نیازمند توجه ویژه به تمامی عرصه‌ها و زیستگاه‌های شهری، روستایی و عشایری است. در این میان، جامعه عشایری به‌خاطر محرومیت و شرایط سخت زندگی از جایگاهی مهم برخوردار است و به همین دلیل، سامان‌دهی جامعه عشایر همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دست‌اندرکار بوده است. از مهم‌ترین بحث‌های مطرح در حوزه سامان‌دهی «اسکان» عشایر است. این راهبرد که از دوره پهلوی اول با نگرش سیاسی شروع شده و تا برنامه چهارم توسعه (از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) با نگرش توسعه پایدار ادامه یافته، منجر به شکل‌گیری روستاها یا کانون‌های خودجوش و هدایتی متعدد شده است. راهبرد اسکان برگرفته از دیدگاه‌هایی همچون تغییرات اجتماعی، نوسازی، تأمین نیازهای اساسی، حفظ محیط زیست، و توسعه پایدار است که در هر دوره، با توجه به دیدگاه مد نظر، به مسئله اسکان توجه شده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱). از دیدگاه اجتماعی، سامان‌دهی عشایر موجب می‌شود که آنها در ساختارهای مختلف فرهنگی و اجتماعی در یکدیگر ادغام شوند؛ همچنین، با قانون‌گرایی و پذیرش الگوها، از تکروری‌های قومی، قبیله‌ای و نژادی جلوگیری خواهد شد و هزینه‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون همچون درمان، آموزش، و بهسازی کاهش می‌یابد و نظارت و کنترل بر این جامعه بیشتر خواهد شد (عطاریانی، ۱۳۸۰: ۵۵). در دیدگاه توسعه و نوسازی، توسعه در چشم‌اندازی پیش‌رونده نگریده می‌شود و وضعیت توسعه‌نیافتگی بر حسب تفاوت‌های قابل مشاهده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین ملت‌های فقیر و غنی تعریف می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۶). در دیدگاه شهرنشینی و مهاجرت، یکجانشینی و شهرنشینی الگوی جدید زندگی اجتماعی انسان‌هاست. عده زیادی از صاحب‌نظران بر این باورند که سکونت در شهرهای بزرگ به‌خودی خود زندگی روانی و اجتماعی فرد را دگرگون می‌سازد (ازکیا، ۱۳۷۸: ۳۶). از دیدگاه ناظر بر حفظ محیط زیست، بشر جزئی از زیست‌بوم است و باید به زیست‌بوم

به صورت یک کل نگریسته شود که در آن، بین محیط و موجودات زنده پیوند متقابل وجود دارد. بر این اساس، سیاست بیشتر کشورهای جهان سوم برای جلوگیری از نابودی محیط زیست بر تصویب قوانین محدودکننده و ایجاد محدودیت‌هایی برای کاهش دسترسی افراد به منابع محیطی مبتنی بوده است (ضیاءتوانا و توکلی، ۱۳۸۳: ۶۸). از دیدگاه فرهنگی و سیاسی، اسکان عشایر اختلافات قومی و درگیری‌های قبیله‌ای را کمتر می‌کند و این توهم که طایفه‌ای تحریک شود و امنیت را به مخاطره اندازد، بسیار کاهش می‌یابد. اسکان عشایر و همجواری آنها با سلیقه‌های جدید باعث می‌شود که باورهای منفی نسبت به اقوام و قبایل به نتایج مطلوب فرهنگی تبدیل شود. امکان تشکیل شوراهای محلی و نظم بخشیدن به نظام ریش سفیدی برای حل معضلات اجتماعی و کاهش بار دستگاه قضایی از دیگر آثار فرهنگی و سیاسی اسکان خواهد بود (عطاریانی، ۱۳۸۰: ۱۴). در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان سه نوع اسکان اجباری، خودجوش و هدایتی (برنامه‌ای) را در نظر گرفت. اسکان اجباری ممکن است بر اثر فشار و جبر حکومتی، دگرگونی بادوام شرایط طبیعی و اقلیمی، و یا دگرگونی عملکردهای اقتصادی در سطوح منطقه‌ای انجام شود (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰). اسکان اجباری ممکن است بر اثر اختلافات درونی ایل، فقر خانوارها، ازدواج و تحصیل فرزندان به وجود آید (کشاورز، ۱۳۵۵). در اسکان خودجوش، برتری نسبی اقتصادی اسکان موجب ایجاد انگیزش عشایر برای اسکان می‌شود (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰). اسکان هدایتی بیشتر با اهداف عمرانی همراه است و دولت‌ها ارائه خدمات بیشتر به عشایر و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی آنها را دنبال می‌کنند. اسکان هدایتی دربرگیرنده مطالعات مراحل اجمالی، نیمه تفصیلی، تفصیلی و عملیات اجرایی اسکان است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۵). جامعه عشایری ایران را می‌توان قشری متمایز از دو جامعه شهری و روستایی دانست که اقتصاد زندگی آنها مبتنی بر پرورش سستی دام است. این الگوی زیست باعث شده است که عشایر، فرهنگ و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاص خود را داشته باشند و شرایط حاکم بر زندگی آنها دشوار و سخت باشد (قنبری و عسگرزاده، ۱۳۷۹: ۵۷). در

سال‌های اخیر، برنامه اسکان عشایر در مناطق مختلف کشور و از جمله استان ایلام در راستای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی عشایر اجرا شده است. طبق نتایج آخرین سرشماری عشایر کشور، جامعه عشایری ایران با ۲۱۲۶۶۰ خانوار و جمعیتی معادل ۱۱۸۶۸۳۰ نفر حدود ۱/۶۵ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). از حدود نود میلیون رأس دام موجود کشور ۲۳ میلیون رأس آن در اختیار عشایر است که سالانه حدود ۱۴۰ هزار تن گوشت قرمز به ارزش بیش از پانصد میلیارد تومان و در مجموع، سالانه حدود هزار میلیارد تومان محصول از طریق این قشر مولد وارد بازار مصرف کشور می‌شود. عشایر استان ایلام با دوازده واحد ایلی کوچک و بزرگ، ۳۲ طایفه مستقل دوره بیلاقی و قشلاقی و با جمعیتی معادل ۵۹۳۹۱ نفر، در قالب ۹۷۳۶ خانوار تقریباً یازده درصد جمعیت استان را تشکیل می‌دهند و با تولید محصولات مختلف دامی، زراعی، باغی و صنایع دستی به ارزش اقتصادی ۱۳۹۷۸۵۷ میلیون ریال، سهمی به‌سزا در ایجاد اشتغال پایدار و تولید ناخالص داخلی استان دارند (مدیریت امور عشایری استان ایلام، ۱۳۹۱). تیپ یا شکل اصلی کوچ‌نشینی در استان ایلام نیمه‌یکجانشینی است. در این شکل کوچ‌نشینی، مردم در روستاهای دائمی ساکن می‌شوند ولی در فصل تولید، در مراتع اطراف روستاهای خود چادر برپا کرده، در آن زندگی می‌کنند (Khazanov, 1984). با وجود نقش مؤثر عشایر در ایجاد اشتغال، تولید ملی و حراست از مرزهای کشور، به نظر می‌رسد در حال حاضر، بین برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امور عشایری در خصوص انتخاب شیوه زندگی مناسب عشایر اختلاف نظر وجود دارد، به‌گونه‌ای که عده‌ای موافق کوچ‌نشینی و عده‌ای نیز موافق اسکان عشایرند، اما هیچ‌کدام از این دو گروه دلیلی مستند و تجربی در تأیید نظر خود بیان نمی‌کنند. از آنجا که در سال‌های اخیر، جهت‌گیری برنامه‌های کلان امور عشایری بیشتر در راستای اسکان عشایر بوده است، مقایسه متوسط درآمد سالانه خانوارهای عشایری اسکان‌یافته در دو وضعیت کوچندگی و اسکان و تعیین عوامل مؤثر بر ایجاد تفاوت‌های درآمدی خانوارها در این دو وضعیت می‌تواند ابزاری مناسب برای ارزیابی طرح، آگاهی دست‌اندرکاران از نقاط قوت و ضعف آن، و راهنمای مسئولان امور

عشایری در خصوص انتخاب الگوی زندگی مناسب برای عشایر باشد. همچنین، در صورت بیشتر بودن متوسط درآمد سالانه خانوارها در هر کدام از دو حالت یادشده، برنامه‌ریزان و مسئولان امور عشایری می‌توانند توجه بیشتری به عوامل اثرگذارتر در قیاس این دو وضعیت معطوف کنند. در پی، به برخی از پژوهش‌های پیشین در داخل و خارج کشور در زمینه اقتصاد تولید و درآمد عشایر اشاره می‌شود.

قنبری و عسگرزاده (۱۳۷۹) به بررسی بایدها و نبایدها در اسکان عشایر کانون حنا در استان اصفهان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که عشایر اسکان یافته به دلیل مشکلاتی از قبیل عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات، کمبود مراتع، نامناسب بودن مسکن احداث شده، و گرانی وسایل ایاب و ذهاب و حمل دام از اجرای طرح ناراضی بودند.

دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹)، در تحقیقی با عنوان «بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان»، نتیجه گرفتند که ۶۶/۲ درصد درآمد سالانه عشایر از پرورش و فروش دام، ۱۳/۸ درصد از تولید پشم، ۱۶/۸ درصد از تولید شیر و باقی مانده نیز از تولید مو و کرک به دست می‌آید؛ افزون بر این، ۱۲/۹ درصد خانوارهای عشایر نمونه خراسان در کنار دامپروری به زراعت می‌پردازند که ۶۲/۳ درصد آنها در مناطق بیلاقی، ۸/۵ درصد در مناطق میان‌بند و ۲۹/۲ درصد در مناطق قشلاقی به فعالیت‌های زراعی اشتغال دارند. همچنین، ۴۳/۶ درصد خانوارهای عشایر نمونه خراسان اقدام به تولید صنایع دستی می‌کنند که ۷۱/۱ درصد صنایع دستی آنها جنبه خودمصرفی داشته، ۱۱/۹ درصد با انگیزه فروش و باقی مانده نیز با انگیزه مختلط (خودمصرفی و فروش) تولید شده است.

کفیل‌زاده و سیدان (۱۳۸۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته ایل کرد»، متفاوت بودن ترکیب دام عشایر کوچنده و اسکان یافته را یکی از نتایج تحقیق خود برشمرده‌اند. نتایج دیگر این تحقیق عبارت‌اند از اینکه در شرایط اسکان، سهم گوسفند و گاو در ترکیب دام افزایش یافته و سهم بز و احشام باربر کاهش یافته است؛ تولیدات دامی ایل کرد استان ایلام شامل تولید گوشت قرمز (دام زنده)، فرآورده‌های دامی و الیاف دامی بوده است؛ فروش دام زنده، تولید فرآورده‌های لبنی و الیاف دامی، به ترتیب، ۸۱/۵، ۱۶/۲ و ۱/۶ درصد از

ارزش کل تولیدات دامی عشایر اسکان یافته را تشکیل می‌داد و از سویی، سهم ارزش فروش دام زنده، فرآورده‌های لبنی و الیاف دامی در ارزش کل تولیدات دامی عشایر کوچنده، به ترتیب، ۷۷/۲، ۲۰/۲ و ۲/۶ درصد بوده است.

نیکخواه و کرباسی (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان «بررسی اقتصادی تولید دام عشایر استان لرستان»، بیان کردند که در سال‌های گذشته، سهم گوسفند در ترکیب گله خانوارهای عشایری استان لرستان افزایش یافته، سهم بز در ترکیب گله خانوارهای فقیر نسبت به خانوارهای مرفه بیشتر شده و هزینه نگهداری هر رأس بز نسبت به هر رأس گوسفند پایین تر بوده است. آمار مورد نیاز برای انجام این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای در سال ۸۳-۱۳۸۲ جمع‌آوری شده است. در پایان، پیشنهاد شده است که با ترویج شیوه دامپروری، نسبت به افزایش سطح دانش دامپروران اقدام و موجبات خارج شدن دام اضافی از مرتع فراهم شود.

مهدوی و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان «روستاهاى برآمده از اسکان و چالش‌های آنها»، نتیجه‌گیری کردند که روستاهای جدید با چالش‌هایی چون ضعف دستگاه‌های اجرایی در زمینه اسکان، ناتوانی مدیریت این روستاها و مشارکت کم مردم در فرایند اسکان روبه‌رو بوده‌اند؛ و از این‌رو، پیشنهاد کردند که برای فراهم کردن زمینه پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این کانون‌ها، بهره‌گیری از برنامه‌های کارآمد ضروری است.

توکلی و ضیاءتوانا (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال و بختیاری، مطالعه موردی: شهرک‌های عشایری شرمک، چلگرد و لشترا»، نتیجه گرفتند که به‌رغم کاهش تعداد دام خانوارهای عشایری اسکان یافته مورد بررسی، شاخص‌های کیفی مدیریت مرتع که ناظر بر نوع رفتار با مرتع است، روندی نامطلوب داشته و در نتیجه، تخریب مراتع پیرامون سکونتگاه‌های مورد بررسی تشدید شده است. برای برون‌رفت از این وضعیت، توسعه درون‌زا و پایدار مناطق عشایری استان، حمایت از منافع جامعه عشایری کوچنده، بازآفرینی دانش بومی و تنوع‌بخشی به معیشت عشایر اسکان یافته پیشنهاد شده است.

بخشی جهرمی (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان «آنالیز اقتصاد تولید و درآمد عشایر، مطالعه موردی: عشایر سامانه درزه، زیست بوم هامون - جازموریان، شهرستان کهنوج»، یادآور شد که به دلایل مختلف از جمله تخریب مراتع، وضعیت نامناسب بارندگی، مشکلات تعلیف دام، و تغییر فرهنگ عشایری، جایگاه دامداری در بین عشایر تضعیف شده است. وی متوسط درآمد سرانه سالانه را ۵۶۴۰۰۰ ریال محاسبه کرده و اظهار داشته که این مبلغ حدود یک ششم هزینه سرانه زندگی عشایر در مناطق همجوار است.

قاسمی (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان «ارزیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح اسکان عشایر در کانون محسن آب استان ایلام»، نتیجه گرفت که در وضعیت اسکان نسبت به وضعیت کوچ نشینی، از تعداد دام سبک (گوسفند و بز) عشایر اسکان یافته کاسته شده، میزان دسترسی آنها به عوامل تولید (مانند نهاده‌ها و اعتبارات بانکی) و خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی بهبود یافته، میزان تولید محصولات دامی کاهش یافته و سطح زیر کشت آبی و دیم آنها بیشتر شده است.

مهدوی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «سنجش نگرش عشایر اسکان یافته نسبت به اسکان در چهارمحال و بختیاری»، اعلام کردند که در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، اسکان عشایر چندان موفقیت آمیز نبوده و وضعیت عشایر با از دست دادن اشتغال پایدار و وابستگی به مشاغل ناپایدار بدتر شده است. به باور این پژوهشگران، وضعیت عشایر اسکان یافته در کانون‌های هدایتی نسبت به کانون‌های خودجوش در ابعاد اقتصادی و اجتماعی بهتر بوده است.

شکور و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس»، اعلام کردند که بین تأثیرات شاخص‌های اجتماعی و اسکان عشایر در استان فارس رابطه معنی دار وجود دارد، اما رابطه بین تأثیرات عوامل اقتصادی و اسکان عشایر در استان معنی دار نیست.

ابراهیم (Ebrahim, 1981)، در تحقیقی با عنوان «مشکلات اسکان عشایر در آسیای میانه با تأکید بر عربستان سعودی»، نتیجه گرفت که عدم مشارکت عشایر در طراحی و

مدیریت طرح‌های اسکان از عوامل اصلی شکست این طرح‌ها بوده و توجه به کشت آبی از بهترین روش‌ها برای پایداری اسکان است.

بک (Beck, 1986)، در تحقیقی با عنوان «بررسی ایل قشقایی در ایران»، بیان کرد که عشایر منطقه خاورمیانه اغلب از سازمان سیاسی-اجتماعی خاص خود برخوردارند. وی گروه‌های اصلی عشایر خاورمیانه را شامل عشایر جنوب غربی ترکیه، عشایر جنوب شرقی فلات آناتولی، کردها، عشایر عرب و عشایر افغانستان و پاکستان در شرق خاورمیانه می‌داند.

قراخلو (Gharakhlou, 1996)، در تحقیقی با عنوان «مهاجرت و تغییر فرهنگی در جوامع شهری خاورمیانه»، اعلام کرد که اقتصاد اصلی عشایر خاورمیانه مبتنی بر پرورش شتر، گوسفند و بز بوده، عشایر این منطقه از سیاه‌چادر برای مسکن استفاده می‌کنند. زندگی عشایر این منطقه به شکل‌های مختلف کوچ‌نشینی، نیمه‌کوچ‌نشینی، کوچ‌دگی، نیمه‌یکجانشینی و رمه‌گردانی است.

ساوندرز (Saunders, 2003)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر سیاست‌های اسکان عشایر در تبت»، نتیجه گرفت که اجرای این سیاست‌ها در تبت موجب فقیرتر شدن خانوارها، محدودیت آزادی آنها، کاهش تعداد دام و تخریب مراتع شده است.

انایو (Eneyew, 2012)، در مقاله‌ای با عنوان «آیا اسکان عشایر یک راهبرد معیشت پایدار است؟»، نتیجه گرفت که اسکان شرط لازم برای توسعه مناطق عشایری است، اما شرط کافی نیست.

با بررسی نتایج مطالعات گذشته، می‌توان نتیجه گرفت که طرح اسکان عشایر در بسیاری از کانون‌های مورد مطالعه در دستیابی به اهداف بهبود وضع اجتماعی (دسترسی مناسب عشایر اسکان‌یافته به خدمات آموزشی، بهداشتی و رفاهی) موفق بوده، اما در هیچ‌کدام از این کانون‌ها در دستیابی به اهداف بهبود وضع اقتصادی (ایجاد اشتغال، تولید پایدار و بهبود سطح درآمدی عشایر اسکان‌یافته) چندان موفق نبوده است.

اهداف تحقیق حاضر در استان ایلام عبارت‌اند از:

- مقایسه وضع درآمدی عشایر اسکان‌یافته استان در دو وضعیت کوچ‌دگی و اسکان؛



- تعیین عوامل مؤثر بر درآمد عشایر در دو وضعیت کوچندگی و اسکان؛ و
- شناسایی عوامل ایجادکننده تفاوت‌های درآمدی عشایر در دو وضعیت کوچندگی و اسکان.

### مواد و روش‌ها

روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده و محتوای آن با مطالعه و بررسی مبانی نظری تحقیق، مطالعه پیشینه تحقیقات مشابه، نظرخواهی از کارشناسان و صاحب نظران مربوط و اطلاعات قبلی و شهودی محقق تهیه و تدوین شده است؛ همچنین، برای بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه، از روش‌های اعتبار محتوا و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. روایی مشخص می‌کند که سؤالات پرسشنامه تا چه حد ویژگی‌های مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۰). در روش اعتبار محتوا، اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق اظهار نظر خبرگان ذی‌ربط بررسی می‌شود. در تحقیق حاضر، اعتبار پرسشنامه از سوی کارشناسان و متخصصان ذی‌ربط تأیید شده است. پایایی معیاری است که مشخص می‌کند ابزار اندازه‌گیری تا چه حد در آزمون‌های مجدد نتایج مشابه به دست می‌دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۰). روش‌های مختلف برای تعیین پایایی پرسشنامه وجود دارد که در تحقیق حاضر، از روش ضریب آلفای کرونباخ که یکی از بهترین روش‌ها برای تعیین پایایی پرسشنامه است، استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی سازگاری درونی اقلان ابزار اندازه‌گیری به کار می‌رود و دامنه آن بین صفر و یک است؛ هرگاه مقدار آن بزرگ‌تر از  $0/6$  باشد، پایایی پرسشنامه تأیید می‌شود (Hari, 2003: 97). پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر از طریق ضریب آلفای کرونباخ  $0/815$  تعیین شد که در مقایسه با مقدار حداقل قابل قبول ( $0/6$ )، از پایایی بالا برخوردار است. روش جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی (کتابخانه‌ای و میدانی) و قلمرو مکانی تحقیق سطح استان ایلام و قلمرو زمانی آن نیز سال ۱۳۸۹ است. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۴۴ خانوار اسکان یافته در شش کانون اسکان هدایتی در استان ایلام بوده و حجم نمونه مورد نیاز در سطح معنی‌داری پنج درصد با استفاده از رابطه کوکران ۱۲۰

خانوار تعیین شد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده طبقه‌ای متناسب بوده که در آن، هر کدام از کانون‌های اسکان به دلیل تجانس و همگونی صفات خانوارهای اسکان‌یافته در آنها به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شدند و با در نظر گرفتن نسبت خانوارهای اسکان‌یافته در هر کانون از حجم جامعه آماری، تعداد نمونه مورد نیاز در هر کانون با استفاده از چارچوب نمونه‌گیری در دسترس، متناسب با حجم نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. متغیرهای مستقل شامل تعداد واحد دامی، مقدار صنایع دستی تولیدی، سطح زیر کشت دیم و آبی، مقدار فرآورده‌های دامی تولیدی، میزان دسترسی به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی، تأثیر مرتع در تعلیف دام‌ها، تأثیر تغذیه دستی در تعلیف دام‌ها، و میزان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی و متغیر وابسته نیز متوسط درآمد سالانه خانوارها در دو وضعیت کوچدگی و اسکان است. از بین این متغیرها، متغیرهای میزان دسترسی به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی، تأثیر مرتع در تعلیف دام‌ها، تأثیر تغذیه دستی در تعلیف دام‌ها، و میزان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی کیفی بوده که در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (شامل گویه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد) اندازه‌گیری و با دادن مقادیر یک تا پنج به ترتیب به گویه‌های یادشده کمی شده‌اند؛ بقیه متغیرها نیز خود کمی بودند و نیازی به کمی‌سازی آنها نبود. برای تحلیل توصیفی داده‌ها، از شاخص‌های مرکزی شامل میانگین و شاخص‌های پراکندگی شامل دامنه تغییرات، انحراف معیار و ضریب تغییرات استفاده شد. همچنین، برای تحلیل استنباطی داده‌ها، از آزمون  $t$  نمونه‌های زوجی برای مقایسه متوسط درآمد حقیقی سالانه خانوارهای عشایری در دو وضعیت کوچدگی و اسکان و از تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره به منظور تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در دو حالت کوچدگی و اسکان استفاده شد. با توجه به دوره زمانی چهارساله بین آخرین سال کوچدگی (وضعیت کوچدگی) و سال تکمیل پرسشنامه‌ها (وضعیت اسکان) و در نتیجه، تأثیرپذیری درآمد خانوارها در وضعیت اسکان از اثرات تورمی در دوره یادشده، به منظور امکان مقایسه واقعی متوسط درآمد خانوارها در دو وضعیت

کوچندگی و اسکان و حذف اثرات تورمی از متوسط درآمد در شرایط اسکان، از شاخص تورم استفاده شد. بدین منظور، نرخ تورم در دوره زمانی بین دو وضعیت کوچندگی و اسکان از طریق رابطه زیر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹) محاسبه شده است:

$$\text{شاخص تورم در وضعیت کوچندگی} - \text{شاخص تورم در وضعیت اسکان} \\ \text{نرخ تورم} = \frac{\text{شاخص تورم در وضعیت کوچندگی}}{\text{شاخص تورم در وضعیت اسکان}}$$

از طریق رابطه بالا، درآمد اسمی هر کدام از خانوارها در حالت اسکان بر اساس نرخ تورم به دست آمده تعدیل و با تبدیل آن به درآمد حقیقی، امکان مقایسه آن با درآمد حقیقی در شرایط کوچندگی فراهم شده است. بدین منظور، آخرین سال کوچندگی خانوارها (وضعیت کوچندگی) به عنوان سال پایه فرض شده و درآمد خانوارها در این سال به قیمت ثابت محاسبه و به دیگر سخن، به عنوان درآمد حقیقی در نظر گرفته شده است. سپس، با استفاده از آزمون t وابسته (آزمون t نمونه‌های زوجی) متوسط درآمد سالانه خانوارها در وضعیت کوچندگی و متوسط درآمد تعدیل شده (حقیقی) سالانه خانوارها در وضعیت اسکان با هم مقایسه شدند. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

## نتایج و بحث

### نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها

در جدول ۱، تحلیل توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل دارای مقیاس اندازه‌گیری کمی با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و همچنین، رتبه‌بندی آنها به کمک شاخص ضریب تغییرات در وضعیت‌های کوچندگی و اسکان عشایر آمده است. در جدول ۱، با توجه به متفاوت بودن واحد اندازه‌گیری متغیرها، از شاخص ضریب تغییرات برای مقایسه متغیرها با یکدیگر و رتبه‌بندی آنها استفاده شد. بر این اساس، متغیرهای مقدار صنایع دستی تولیدی و سطح زیر کشت آبی در وضعیت کوچندگی، به ترتیب، دارای کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین رتبه‌اند. نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که در

شرایط اسکان نسبت به حالت کوچندگی، تعداد واحد دامی خانوارها ۴۸/۴ درصد کاهش پیدا کرده است. دلیل این تغییر را می‌توان ناشی از الزامات اسکان و دسترسی کمتر عشایر اسکان‌یافته به مراتع غنی برای تغلیف دام به دلیل تخریب مراتع محدوده روستاهای برآمده از اسکان در اثر چرای مفرط دام دانست. نتیجه به‌دست آمده در این خصوص با نتیجه تحقیقات توکلی و ضیاء‌توانا (۱۳۸۶)، قاسمی (۱۳۸۷) و ساوندرز (Saunders, 2003) همخوانی دارد.

جدول ۱- تحلیل توصیفی متغیرهای مستقل دارای مقیاس کمی

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	حداکثر	حداقل	متغیر*
۲	۰/۲۷۶	۱۳۳۶/۰۴	۳۶۸/۹۲۶	۱۶۷۰	۲۱۷۰	۵۰۰	$X_1$
۴	۰/۵۰۷	۸۳۰/۳۷	۴۲۱/۶۸۶	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۰	$X_2$
۶	۰/۵۴	۳/۰۲	۱/۶۳۲	۷	۸	۱	$X_3$
۵	۰/۵۱۷	۲/۵۲	۱/۳۰۳	۶	۷	۱	$X_4$
۳	۰/۴۵۸	۱۸۵/۷۱	۸۵/۰۹۱	۵۰۵	۵۴۵	۴۰	$X_5$
۷	۰/۷۲۶	۹۶/۷۷	۷۰/۳۱۹	۴۰۰	۴۰۰	۰	$X_6$
۱	۰/۲۱۵	۸/۱۵	۱/۷۵۹	۹	۱۳	۴	$X_7$
۸	۱/۲۷۶	۲/۲۸	۲/۹۱۱	۹	۹	۰	$X_8$
۱۰	۴/۳۲۲	۰/۱۸	۰/۷۷۸	۵	۵	۰	$X_9$
۹	۱/۶۷۷	۰/۶۱	۱/۰۲۳	۵	۵	۰	$X_{10}$

\*  $X_1$ : مقدار فرآورده‌های دامی تولیدی (کیلوگرم) در وضعیت کوچندگی؛  $X_2$ : مقدار فرآورده‌های دامی تولیدی (کیلوگرم) در وضعیت اسکان؛  $X_3$ : سطح زیر کشت دیم (هکتار) در وضعیت کوچندگی؛  $X_4$ : سطح زیر کشت دیم (هکتار) در وضعیت اسکان؛  $X_5$ : تعداد واحد دامی در وضعیت کوچندگی؛  $X_6$ : تعداد واحد دامی در وضعیت اسکان؛  $X_7$ : مقدار صنایع دستی تولیدی (متر مربع) در وضعیت کوچندگی؛  $X_8$ : مقدار صنایع دستی تولیدی (متر مربع) در وضعیت اسکان؛  $X_9$ : سطح زیر کشت آبی (هکتار) در وضعیت کوچندگی؛  $X_{10}$ : سطح زیر کشت آبی (هکتار) در وضعیت اسکان.

منبع: یافته‌های تحقیق

در مورد متغیر مستقل میزان تولید صنایع دستی، نتایج تحقیق بیانگر کاهش ۷۸ درصدی میزان تولید این نوع صنایع توسط خانوارها در وضعیت اسکان نسبت به وضعیت کوچندگی است. دلیل این تغییرات را می‌توان از یک‌سو ناشی از کاهش تعداد

دام و به تبع آن، کاهش تولید الیاف دامی و در نتیجه، کاهش تولید صنایع دستی و از سوی دیگر، از تغییر فرهنگ و الگوی زندگی عشایر اسکان یافته دانست که فرهنگ و الگوی زندگی آنها با تأثیرپذیری از فرهنگ جوامع روستایی و حتی شهری به دلیل برقراری روابط اجتماعی بیشتر و راحت تر دستخوش تغییراتی شده است. سطح زیر کشت دیم یکی دیگر از متغیرهای مستقل مورد مطالعه بوده که نتایج تحقیق حاکی از افزایش ۱۷ درصدی آن در شرایط اسکان نسبت به حالت کوچندگی است. دلیل این افزایش را می توان ناشی از واگذاری و تبدیل اراضی بایر کانون های توسعه به اراضی قابل کشت توسط عشایر اسکان یافته و حتی خرید و یا اجاره اراضی زراعی دیم از دیگر روستاهای همجوار دانست. نتایج تحقیق حاضر در خصوص افزایش سطح زیر کشت دیم عشایر اسکان یافته با نتیجه تحقیق قاسمی (۱۳۸۷) همسوست. بر اساس نتایج جدول ۱، سطح زیر کشت آبی خانوارها در شرایط اسکان نسبت به وضعیت کوچندگی ۲۳۸ درصد افزایش یافته است. افزایش چشمگیر سطح زیر کشت آبی عشایر اسکان یافته ناشی از آبی کردن اراضی دیم آنها از طریق حفر چاه، اجاره و یا خرید اراضی آبی توسط آنها از مناطق همجوار است. یافته های تحقیق حاضر در زمینه افزایش سطح زیر کشت آبی با نتایج تحقیقات قاسمی (۱۳۸۷) و ابراهیم (Ebrahim, 1981) همخوانی دارد. کاهش ۴۷/۵ درصدی میزان تولید فرآورده های دامی در شرایط اسکان نسبت به حالت کوچندگی از نتایج تحقیق در مورد این متغیر مستقل است که با نتیجه تحقیق قاسمی (۱۳۸۷) در خصوص کاهش میزان تولید محصولات دامی عشایر اسکان یافته در کانون محسن آب ایلام مطابقت دارد. دلیل این تغییرات به طور عمده ناشی از کاهش تعداد دام عشایر در وضعیت اسکان نسبت به وضعیت کوچندگی است. جدول ۲ تحلیل توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مستقل دارای مقیاس اندازه گیری کیفی را در حالت های کوچندگی و اسکان نشان می دهد. مقیاس اندازه گیری متغیرهای این جدول از نوع طیف پنج گزینه ای لیکرت شامل گزینه های خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، و خیلی زیاد = ۵ است.

## جدول ۲- تحلیل توصیفی متغیرهای مستقل دارای مقیاس کیفی

طیف لیکرت										شماره
خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰	۰	۰	۰	۳۷/۵	۴۵	۴۸/۳	۵۸	۱۴/۲	۱۷	X <sub>۱۱</sub>
۱۰	۱۲	۷۷/۵	۹۳	۱۲/۵	۱۵	۰	۰	۰	۰	X <sub>۱۲</sub>
۰	۰	۶/۷	۸	۳۲/۵	۳۹	۴۵/۸	۵۵	۱۵	۱۸	X <sub>۱۳</sub>
۳/۳	۴	۶۰/۸	۷۳	۲۸/۳	۳۴	۶/۷	۸	۰/۸	۱	X <sub>۱۴</sub>
۴۵	۵۴	۵۰	۶۰	۵	۶	۰	۰	۰	۰	X <sub>۱۵</sub>
۰	۰	۱۲/۵	۱۵	۵۳/۳	۶۴	۲۹/۲	۳۵	۵	۶	X <sub>۱۶</sub>
۰	۰	۵/۸	۷	۲۳/۳	۲۸	۴۳/۳	۵۲	۲۷/۵	۳۳	X <sub>۱۷</sub>
۹/۲	۱۱	۳۹/۲	۴۷	۳۲/۵	۳۹	۱۹/۲	۲۳	۰	۰	X <sub>۱۸</sub>

\* X<sub>۱۱</sub>: میزان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی در وضعیت کوچندگی؛ X<sub>۱۲</sub>: میزان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی در وضعیت اسکان؛ X<sub>۱۳</sub>: میزان دسترسی به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی در وضعیت کوچندگی؛ X<sub>۱۴</sub>: میزان دسترسی به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی در وضعیت اسکان؛ X<sub>۱۵</sub>: تأثیر مرتع در تغلیف دام‌ها در وضعیت کوچندگی؛ X<sub>۱۶</sub>: تأثیر مرتع در تغلیف دام‌ها در وضعیت اسکان؛ X<sub>۱۷</sub>: تأثیر تغذیه دستی در تغلیف دام‌ها در وضعیت اسکان؛ X<sub>۱۸</sub>: تأثیر تغذیه دستی در تغلیف دام‌ها در وضعیت اسکان.

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق جدول ۲، هیچ‌کدام از عشایر اسکان‌یافته مورد مطالعه میزان دسترسی خود به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی را در وضعیت کوچندگی بیش از حد متوسط اعلام نکرده‌اند، در حالی که ۸۷/۵ درصد آنها (شامل گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد) میزان دسترسی خود بدین نوع خدمات را در وضعیت اسکان بیش از حد متوسط اعلام کرده‌اند. فقط ۶/۷ درصد از این عشایر اسکان‌یافته (شامل گزینه زیاد) میزان دسترسی خود به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی را در حالت کوچندگی بیش از

حد متوسط بیان کرده‌اند، در حالی که ۶۴/۱ درصد آنها (شامل گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد) میزان دسترسی خود بدین خدمات را در حالت اسکان بیش از حد متوسط بیان کرده‌اند. ۹۵ درصد از عشایر اسکان یافته مورد مطالعه (شامل گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد) تأثیر مرتع در تعلیف دام‌ها را در وضعیت کوچندگی بیش از حد متوسط و فقط ۱۲/۵ درصد آنها تأثیر مرتع در تعلیف دام‌ها را در وضعیت اسکان را بیش از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۷۰/۸ درصد از این عشایر (شامل گزینه‌های خیلی کم و کم) تأثیر تغذیه دستی در تعلیف دام‌ها را در وضعیت کوچندگی کمتر از حد متوسط و تنها ۱۹/۲ درصد آنها (شامل گزینه کم) تأثیر این عامل را در وضعیت اسکان کمتر از حد متوسط اعلام کرده‌اند.

جدول ۳ درآمد سالانه خانوارهای عشایری اسکان یافته به عنوان متغیر وابسته تحقیق در وضعیت‌های کوچندگی و اسکان را نشان می‌دهد.

جدول ۳- درآمد سالانه خانوارهای عشایری اسکان یافته در وضعیت‌های کوچندگی و اسکان

متغیر*	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	انحراف معیار	میانگین
$Y_1$	۶۵۰۰	۱۹۳۰۰	۱۲۸۰۰	۳۰۶۹	۱۲۳۱۱
$Y_2$	۱۸۲۰۰	۴۶۵۰۰	۲۸۳۰۰	۷۶۴۹	۳۱۳۹۶
$Y_3$	۶۴۳۱	۱۹۳۳۳	۱۲۹۰۲	۳۱۰۰	۱۱۹۰۰

\*  $Y_1$ : متوسط درآمد سالانه خانوارها در وضعیت کوچندگی (هزار ریال)؛  $Y_2$ : متوسط درآمد سالانه خانوارها در وضعیت اسکان (هزار ریال)؛  $Y_3$ : متوسط درآمد سالانه تعدیل شده خانوارها در حالت اسکان (هزار ریال).

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق داده های جدول ۳، متوسط درآمد اسمی و درآمد تعدیل شده (حقیقی) سالانه خانوارها در وضعیت اسکان نسبت به وضعیت کوچندگی به ترتیب ۱۵۵ درصد افزایش و ۳/۳۳ درصد کاهش داشته است.

### نتایج تحلیل استنباطی داده‌ها

جدول ۴ مقایسه متوسط درآمد سالانه خانوارها در دو وضعیت کوچندگی و اسکان را نشان می‌دهد.

جدول ۴- مقایسه متوسط درآمد سالانه خانوارها در دو وضعیت کوچندگی و اسکان

سطح معنی‌داری (دو دامنه)	آماره t	سطح اطمینان ۹۵ درصدی تفاوت		متغیرها
		حد بالا	حد پایین	
۰/۰۴۳	۲/۰۵۰	۸۰۸/۲۷۳	۱۴/۰۲۷	متوسط درآمد سالانه خانوارها در وضعیت کوچندگی متوسط درآمد تعدیل شده سالانه خانوارها در وضعیت اسکان (زوج ۱)

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۴ بیانگر آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تفاوت معنی‌دار بین متوسط درآمد سالانه خانوارها در دو وضعیت کوچندگی و اسکان وجود دارد و در واقع، متوسط درآمد حقیقی سالانه خانوارها در وضعیت اسکان کمتر از وضعیت کوچندگی است که دلیل آن را می‌توان ناشی از مؤثر نبودن متغیرهای میزان صنایع دستی تولیدی و میزان فرآورده‌های دامی بر متغیر وابسته در شرایط اسکان برخلاف شرایط کوچندگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دانست؛ به دیگر سخن، در شرایط اسکان، به دلیل کاهش ۴۸/۴ درصدی تعداد واحد دامی خانوارها نسبت به حالت کوچندگی، نقش و تأثیر این دو متغیر در تأمین درآمد خانوارها در حالت اسکان به دلیل تأثیرپذیری مستقیم آنها از تعداد دام کاهش پیدا کرده و در واقع، این دو عامل از جمله مهم‌ترین عوامل در ایجاد تفاوت‌های درآمدی خانوارها در دو وضعیت کوچندگی و اسکان بوده‌اند.

تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در وضعیت‌های کوچندگی و اسکان: برای تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (متوسط درآمد سالانه



خانوارها) در شرایط کوچندگی و اسکان، از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره به روش همزمان استفاده شد. در جداول ۵ و ۶، به ترتیب، تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر متوسط درآمد سالانه خانوارهای عشایری اسکان یافته در شرایط کوچندگی و اسکان آمده است.

جدول ۵- تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر متوسط درآمد سالانه خانوارهای عشایری اسکان یافته در شرایط کوچندگی

متغیر مستقل	ضریب	بتا	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	۱۶۷۸/۴۱	-	۰/۸	۰/۴۳
تعداد واحد دامی	۲۰/۶۷*	۰/۵۲	۷/۳۶	۰/۰۰
میزان دسترسی به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی	۲۵۴/۸	۰/۰۶	۱/۰۷	۰/۲۸
مقدار صنایع دستی تولیدی	۲۴۹/۰۸**	۰/۱۳	۲/۲۲	۰/۰۲
سطح زیر کشت دیم	۶۴۳/۸*	۰/۳۱	۵/۲۶	۰/۰۰
سطح زیر کشت آبی	۱۱۴۳*	۰/۲۶	۴/۵۸	۰/۰۰
تأثیر مرتع در تعلیف دام‌ها	۴۵۷/۱۱	۰/۰۸	۱/۳۹	۰/۱۷
تأثیر تغذیه دستی در تعلیف دام‌ها	-۲۶/۲۴	۰/۰۰۷	-۰/۱۲	۰/۹۱
مقدار فرآورده‌های دامی تولیدی	۱/۵۸**	۰/۱۷	۲/۴۲	۰/۰۲
میزان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی	۳۵۷/۷۷	۰/۰۷	۱/۲۳	۰/۲۲

\* معنی داری تا سطح یک درصد \*\* معنی داری تا سطح پنج درصد

$$R^2 = 0/877 ; F = 24/09 ; 0/000 = \text{معنی داری}$$

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول ۵، ضریب تعیین مدل ۰/۸۷۷ بوده و بیانگر آن است که ۸۷/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد شده به مدل تبیین می‌شود. با

استناد به مقادیر سطح معنی داری جدول، می توان گفت که در سطح معنی داری یک درصد، متغیرهای مستقل تعداد واحد دامی، سطح زیر کشت دیم و سطح زیر کشت آبی و در سطح معنی داری پنج درصد، متغیرهای مقدار فرآورده های دامی و مقدار صنایع دستی تولیدی بر درآمد تأثیرگذار بوده اند. با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد شده (بتا) در جدول، می توان گفت که:

- به ازای یک واحد تغییر در تعداد واحد دامی خانوارها در شرایط کوچندگی، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن بقیه متغیرها، ۵۲۰ ریال در همان جهت تغییر می کند.
- به ازای یک واحد تغییر در مقدار صنایع دستی تولیدی خانوارها در حالت کوچندگی، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن بقیه متغیرها، ۱۳۰ ریال در همان جهت تغییر می کند.
- به ازای یک واحد تغییر در سطح زیر کشت دیم خانوارها در وضعیت کوچندگی، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن سایر متغیرها، ۳۱۰ ریال در همان جهت تغییر می کند.
- به ازای یک واحد تغییر در سطح زیر کشت آبی خانوارها در حالت کوچندگی، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن بقیه متغیرها، ۲۶۰ ریال در همان جهت تغییر می کند.
- به ازای یک واحد تغییر در مقدار فرآورده های دامی تولیدی خانوارها در شرایط کوچندگی، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن بقیه متغیرها، ۱۷۰ ریال در همان جهت تغییر می کند.

با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد شده متغیرها، می توان متغیرهای مستقل مؤثر را از لحاظ میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته، به ترتیب، تعداد واحد دامی، سطح زیر

کشت دیم، سطح زیر کشت آبی، مقدار فرآورده‌های دامی تولیدی، و مقدار صنایع دستی تولیدی رتبه‌بندی کرد.

جدول ۶- تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر متوسط درآمد سالانه خانوارهای عشایری اسکان یافته در شرایط اسکان

متغیر مستقل	ضریب	بتا	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا	۱۴۵۰۸/۰۹	-	۲/۶۱	۰/۰۱
تعداد واحد دامی	۶۰/۳۴*	۰/۴۹	۶/۳۳	۰/۰۰
میزان دسترسی به نهاده‌ها، تسهیلات بانکی و خدمات دامپزشکی	۱۲۴/۰۶	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۸۶
مقدار صنایع دستی تولیدی	۱۱/۰۸	۰/۰۰۴	۰/۰۶	۰/۹۵
سطح زیر کشت دیم	۱۷۸۷/۴۵*	۰/۲۷	۴/۵۴	۰/۰۰
سطح زیر کشت آبی	۲۳۵۴/۱۹*	۰/۵۳	۹/۴	۰/۰۰
تأثیر مرتع در تعلیف دام‌ها	۱۱۷۸/۹۲	۰/۱	۱/۷۸	۰/۰۸
تأثیر تغذیه دستی در تعلیف دام‌ها	-۶۸۵/۳۵	۰/۰۷	-۱/۲۳	۰/۲۲
مقدار فرآورده‌های دامی تولیدی	۰/۶۲	۰/۰۳	۰/۴	۰/۷
میزان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی	۴۱۷/۴۲	۰/۰۲	۰/۴۱	۰/۶۹

\* معنی‌داری تا سطح یک درصد

$$R^2 = ۰/۵۸۵ ; F = ۱۷/۲۴۱ ; ۰/۰۰۰ =$$

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق نتایج جدول ۶، ضریب تعیین مدل ۰/۵۸۵ بوده و بیانگر آن است که ۵۸/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد شده به مدل تبیین می‌شود. با توجه به مقادیر سطح معنی‌داری جدول، می‌توان گفت که در سطح معنی‌داری یک درصد، متغیرهای مستقل تعداد واحد دامی، سطح زیر کشت دیم و سطح زیر کشت آبی بر درآمد تأثیرگذار بوده‌اند. با استناد به مقادیر ضرایب استاندارد شده (بتا) در جدول، می‌توان گفت که:

- به ازای یک واحد تغییر در تعداد واحد دامی خانوارها در شرایط اسکان، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن بقیه متغیرها، ۴۹۰ ریال در همان جهت تغییر می‌کند.
  - به ازای یک واحد تغییر در سطح زیر کشت دیم خانوارها در وضعیت اسکان، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن سایر متغیرها، ۲۷۰ ریال در همان جهت تغییر می‌کند.
  - به ازای یک واحد تغییر در سطح زیر کشت آبی خانوارها در حالت اسکان، متوسط درآمد سالانه آنها با فرض ثابت ماندن بقیه متغیرها، ۵۳۰ ریال در همان جهت تغییر می‌کند.
- با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد شده متغیرها، می‌توان متغیرهای مستقل مؤثر را از لحاظ میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته، به ترتیب، سطح زیر کشت آبی، تعداد واحد دامی و سطح زیر کشت دیم رتبه‌بندی کرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف تحقیق حاضر مقایسه متوسط درآمد خانوارهای عشایری اسکان‌یافته استان ایلام در دو وضعیت کوچندگی و اسکان و شناسایی عوامل ایجادکننده تفاوت‌های درآمدی در این دو وضعیت بوده است. با استناد به نتایج به‌دست آمده از مدل‌های رگرسیون برآورد شده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری در هر دو حالت کوچندگی و اسکان جزو مهم‌ترین منابع تأمین درآمد خانوارهای عشایری بوده و در واقع، اقتصاد و معیشت عشایر در این دو حالت تا حد زیادی وابسته به فعالیت‌های کشاورزی و دامداری است، هرچند که نقش عوامل کشاورزی و دامی در حالت کوچندگی نسبت به حالت اسکان در تأمین درآمد بیشتر است. از آنجا که تنوع‌بخشی به منابع درآمدی از مهم‌ترین الزامات اسکان است، موضوع تنوع نیافتن منابع درآمدی عشایر اسکان‌یافته استان ایلام و اتکای اقتصاد آنها به عوامل کشاورزی و دامداری می‌تواند منجر به کاهش سطح درآمد آنها شده و تهدیدی جدی برای پایداری اسکان باشد. با توجه به

کاهش سطح درآمد حقیقی عشایر در وضعیت اسکان نسبت به حالت کوچندگی، می‌توان نتیجه گرفت که طرح اسکان عشایر در استان ایلام در بهبود وضع اقتصادی (ایجاد اشتغال، تولید پایدار و بهبود سطح درآمد) عشایر اسکان یافته چندان موفق نبوده و از این رو، در زمینه اقتصادی الگوی زیست کوچندگی در مقایسه با اسکان، برای عشایر مناسب‌تر است. بنابراین، برای بهبود وضع عشایر در وضعیت اسکان در بعد اقتصادی، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- با توجه به تأثیرگذاری مقدار صنایع دستی تولیدی بر درآمد خانوارها در حالت کوچندگی و عدم تأثیرگذاری در وضعیت اسکان به دلیل کاهش میزان تولید، لازم است بازآفرینی دانش بومی عشایر اسکان یافته به‌ویژه زنان در زمینه تولید صنایع دستی پر درآمد، تقاضامحور و بازارپسند از قبیل قالی، قالیچه، جاجیم، و گلیم به‌منظور ایجاد اشتغال برای زنان و کمک به معیشت خانواده و بهبود سطح درآمد خانوارها در دستور کار مسئولان قرار گیرد.
- متغیر تعداد واحد دامی بر درآمد عشایر اسکان یافته در هر دو وضعیت کوچندگی و اسکان مؤثر است؛ از این رو، لازم است توسعه و ترویج دامپروری نیمه‌صنعتی و حتی صنعتی بین عشایر اسکان یافته به دلیل دسترسی کمتر آنها به مراتع برای پرورش دام به صورت سنتی و نیز جلوگیری از تخریب بیشتر مراتع از یک سو و راحتی و سودآوری بیشتر نظام‌های دامپروری نیمه‌صنعتی و صنعتی از سوی دیگر، به‌منظور تثبیت و تقویت سهم عشایر در تولید پروتئین دامی و بهبود سطح درآمد آنها انجام شود.
- متغیر سطح زیر کشت دیم از دیگر عوامل تأثیرگذار بر درآمد خانوارها در هر دو حالت کوچندگی و اسکان ارزیابی شده و از این رو، آموزش اصول صحیح کشت دیم از قبیل آماده‌سازی زمین، رعایت دوره آیش، استفاده از ارقام مقاوم به خشکی و تنش در دیم، مصرف بهینه سموم و کودهای شیمیایی، تراکم مناسب بذر، زمان کاشت مناسب، و مدیریت حاصل خیزی خاک می‌تواند در بهبود درآمد عشایر مؤثر باشد.

- از آنجا که متغیر سطح زیر کشت آبی در حالت اسکان دارای بیشترین تأثیر بر درآمد خانوارها بوده است، تسطیح و تجهیز اراضی زراعی عشایر اسکان یافته و آبی کردن کشت در این اراضی از طریق حفر چاه، مهار آب‌های سطحی از طریق عملیات آبخیزداری و ترویج کشت‌های چندمنظوره در این اراضی به‌منظور درآمدزایی بیشتر برای عشایر اسکان یافته از دیگر پیشنهادها پژوهش حاضر است.

### منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، *ارزشیابی اجتماعی و فرهنگی اسکان عشایر دشت بابکان استان فارس*. تهران: سازمان امور عشایر ایران.
- بخشی جهرمی، آرمان (۱۳۸۶)، «آنالیز اقتصاد تولید و درآمد عشایر، مطالعه موردی: عشایر سامانه درزه، زیست‌بوم هامون- جازموریان شهرستان کهنوج». *خلاصه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، هشتم و نهم آبان‌ماه ۱۳۸۶، مشهد، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران.
- توکلی، جعفر و ضیاءتوانا، محمدحسن (۱۳۸۶)، «اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال و بختیاری، مطالعه موردی: شهرک‌های عشایری شرمک، چلگرد و لشتر». *روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۲-۶۲.
- دهقانیان، سیاوش و کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹)، «بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۷۵-۱۰۶.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)، *مطالعات مقدماتی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (عمران روستایی و عشایری)*. تهران: دفتر امور مسکن و عمران شهری و روستایی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- شکور، علی؛ طبیبی، حمیدرضا؛ باقرزاده، محمدصادق؛ و واحدپور، غلام‌عباس (۱۳۹۲)، «سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس». *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۳، شماره ۹، صص ۱-۱۱.
- ضیاءتوانا، محمدحسن و توکلی، جعفر (۱۳۸۳)، «اسکان یا ادامه کوچرویی؟ رویکرد توسعه پایدار به آینده عشایر». *جغرافیا*، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۷-۸۹.
- عطاریانی، محمدباقر (۱۳۸۰)، «اسکان عشایر و دیدگاه‌های مختلف». *نشریه خراسان*، شماره ۲۳.

- عبداللهی، محمد (۱۳۸۶)، «اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی: طایفه علی نظر در استان ایلام)». *علوم اجتماعی*، شماره ۳۲، صص ۱۹-۵۳.
- قاسمی، رحمت (۱۳۸۷)، *ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح اسکان عشایر در محسن آب ایلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- قنبری، یوسف و عسگرزاده، مسعود (۱۳۷۹)، «اسکان عشایر: بایدها و نبایدها». *فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب*، سال ۳، شماره ۱ و ۲.
- کشاورز، امیر هوشنگ (۱۳۵۵)، *عشایر و مسئله اسکان*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کفیل زاده، فرخ؛ اسمعیلی زاده، علی؛ و سیدان، مهدی (۱۳۸۱)، «اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته، مطالعه موردی: ایل کرد استان ایلام». *اقتصاد کشاورزی*، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۲۰۱-۲۲۳.
- گروه مطالعاتی هامون (۱۳۷۰)، *گزارش نهایی اسکان و یکجانشینی: مطالعات جامع توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه عشایری ایران، مجموعه سوم، جلد ششم*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مدیریت امور عشایری استان ایلام (۱۳۹۱)، «معرفی اداره کل و اطلاعات آماری عشایر کوچنده». قابل دسترسی در: <http://www.ashayer-ilam.ir> تاریخ بازیابی: ۱۳۹۱/۳/۱۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، *نتایج سرشماری عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷*. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۹)، «اطلاعات مرکز آمار ایران». قابل دسترسی در: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir) تاریخ بازیابی: ۱۳۹۱/۳/۲۰.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان؛ و خانی، فضیله (۱۳۸۸)، «سنجش نگرش عشایر اسکان یافته نسبت به اسکان در چهارمحال و بختیاری». *روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان؛ و قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۶)، «روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش های آنها». *روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۴۱-۶۱.
- نیکخواه، محبت الله و کرباسی، علی رضا (۱۳۸۴)، *بررسی اقتصادی تولید دام عشایر استان لرستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه زابل.
- Beck, L. (1986), *The Qashqaei of Iran*. USA, New Haven: Yale University.
- Ebrahim, Mohammed H. S. (1981), *Problems of Nomad Settlement in the Middle East with Dpecial Reference to Saudi Arabia*. Ithaca: Cornell University.

- Eneyew, A. (2012), "Is settling pastoralists a viable livelihood strategy?". *Scholarly Journal of Agricultural Science*, 2(5): 94-102.
- Gharakhlou, M. (1996), *Migration and Cultural Change in Urban Communities of the Qashqaei of Iran*. PhD Thesis of Anthropology, Faculty of Social Sciences, Ottawa: University of Ottawa.
- Hari, Joseph F. (2003), *Marketing Research within a Changing Information Environment* (Second Edition). Boston: McGraw Hill.
- Khazanov, A. M. (1984), *Nomads and Outside World*. Translated by Julia Crookenden, Cambridge: Cambridge University.
- Saunders, Kate (2003), "The impact of nomad settlement policies in Tibet, Gansu province of Tibet". Available on: <http://www.playul.com/news/article.aspx?id=458&t=1>.